



فارسی

۱ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) من به وصف کی رسم جایی که با کلّ کمال
- (۲) خاطر ما وصف ذاتش چون تواند گفت چون؟
- (۳) چون من حیران توانم از تماشایش گذشت؟
- (۴) چگونه وصف جمالش کنم که حیران را
- در بیابان تحیر عقل سرگردان اوست
- ناطقه مدهوش و دل سرگشته، جان حیران اوست
- آب نتوانست از آن سرو خرامان بگذرد
- مجال نطق نباشد که بازگوید چون

۲ در کدام تشبیه وجه شبه ذکر نشده است؟

- (۱) چون مار زخم خورده دل افتد به پیچ و تاب
- (۲) چون رخ من شده است رنگ زمین
- (۳) جهان چون نی هزاران ناله دارد
- (۴) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع
- هر گه که یاد طره پیچان کند تو را
- چون دم من شده است طبع زمان
- که یک نی دید از شکرستانی؟
- شب نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

۳ به مضمون آیه (تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ) در کدام بیت اشاره نشده است؟

- (۱) کلاه سعادت یکی بر سرش
- (۲) ادیم (سفره) زمین سفره عام اوست
- (۳) یکی را به سر برنهد تاج بخت
- (۴) گلستان کند آتشی بر خلیل
- گلیم شقاوت یکی در برش
- بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست
- یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
- گروهی بر آتش بزد ز آب نیل

۴ در همه ابیات به جز بیت آرایه "تضاد" یافت می شود.

- (۱) بیار زان می گلرنگ مشک بو جامی
- (۲) بیا و کشتی ما در شط شراب انداز
- (۳) ز کوی میکده برگشته ام ز راه خطا
- (۴) عاقبت منزل ما وادی خاموشان است
- شرار رشک و حسد در دل گلاب انداز
- خروش ولوله در جان شیخ و شاب انداز
- مرا دگر ز کرم با ره صواب انداز
- حالیا غلغله در گنبد افلاک انداز

۵ مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) تا فضل و عقل بینی بی معرفت نشینی
- (۲) یک گام به فرق تن خاکی نه و برخیز
- (۳) فکر خود و رای خود در عالم زندی نیست
- (۴) اهل نظر دو عالم در یک نظر ببازند
- یک نکته ات بگویم خود را مبین که رستی
- از کوی تو تا کعبه مقصود دو گام است
- کفر است در این مذهب خود بینی و خودرایی
- عشق است و داو اول بر نقد جان توان زد

در جمله‌های زیر، دریافت معنای "ماه"، به همنشینی با مربوط می‌شود.

الف- ماه، طولانی بود.

ب- ماه، روشن بود.

(۱) فعل با نهاد

(۲) فعل با مسند

(۳) مسند با نهاد

(۴) نهاد با قید

در عبارت زیر چند ترکیب "وصفی" به کار رفته است؟

"عادت کرده بود که همه‌چیز را گذران و همه احوال عالم را در معرض تبدل تلقی کند، به همین دلیل از هیچ پیشامد جالبی، زیاده اظهار شادمانی نمی‌کرد و از هیچ حادثه سوئی هم به شکوه در نمی‌آمد. وقتی یک‌تن از یاران را غمناک دید، گفت: در دنیا همه دلتنگی‌ها از دل نهادگی بر این عالم است. این خاکساری و تواضع حاکی از آن بود که او به مرتبه فنا رسیده بود و هیچ دلتنگ نبود."

(۱) ده

(۲) یازده

(۳) دوازده

(۴) سیزده

ترتیب توالی ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های "تشخیص - ایهام تناسب - تناقض - اسلوب معادله - تشبیه" کدام است؟

الف) گر سروری نیستم در سر ز سروری چه غم هر دم آید از غم عشقش به دل بانگ و سرور

ب) در تیره خاک او تب‌وتاب حیات نیست جولان موج را نگران از کنار جوست

ج) به تارک نارون را زان سپر بود که از سنگ تگرگش بیم سر بود

د) در گرفتاری است اندک التفاتی بی‌شمار می‌زند پهلوی به شاخ گل، گیاهی در قفس

ه) گلگونه شفق رخ خورشید را بس است حاجت به شمع نیست مزار شهید را

(۱) الف، ب، د، ه، ج

(۲) ج، ب، الف، د، ه

(۳) الف، د، ب، ه، ج

(۴) ب، ج، الف، د، ه

در کدام بیت آرایه "تشبیه" بیشتری دیده می‌شود؟

(۱) چگونه باز کنم بال در هوای وصال

که ریخت مرغ دلم پر در آشیان فراق

(۲) ز سوز شوق دلم شد کباب دور از یار

مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق

(۳) بسی نماند که کشتی عمر غرقه شود

ز موج شوق تو در بحر بی‌کران فراق

(۴) فلک چو دید سرم را اسیر چنبر عشق

ببست گردن صبرم به ریسمان فراق

مفهوم برداشت شده، از هر گزینه به جز گزینه درست است.

(۱) این گلیم تیره‌بختی‌هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش‌ها / روکش تابوت تختی‌هاست: این شعر قصه تیره‌روزی‌ها و یادآور مظلومیت بی‌گناهان است.

(۲) شعر نیست / هیچ - همچون پوچ - عالی نیست: این شعر سخن بی‌محتوای به‌ظاهر آراسته نیست.

(۳) نازک‌آرای تن ساق گلی / که به جانش کشتم / و به جان دادمش آب: اندیشه و آرزوهایی که آن را با تمام وجود پرورده‌ام.

(۴) بی‌عیار و شعر محض خوب و خالی نیست: این شعر محکی برای شناخت اشعار خوب و سنجیده است.

بیت زیر، با کدام بیت، ارتباط مفهومی دارد؟

"این مدعیان در طلبش بی‌خبراند
کان را که خبر شد خبری بازنیامد"

(۱) عاشقی را که چنین باده شب‌گیر دهند

کافر عشق بود گر نشود باده‌پرست

(۲) خامی و ساده‌دلی شیوه جانبازان نیست

خبری از بر آن دلبر عیار بیار

(۳) در کوی وفا چاره به جز دادن جان نیست

یعنی که مجو در طلبش راه سلامت

(۴) عشق در هر دل که شمع بی‌قراری بر فروخت

اولین پروانه‌اش مهر لب اظهار بود

- (۱) از دوستی‌ام سوخت دل خویش به صد داغ
 - (۲) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد
 - (۳) چو خس را درافکند در دیده کس
 - (۴) هر آن کس که اندیشه بد کند
- بیگانه نکرد آنچه دل خویش به من کرد
اول بلا به مرغ بلندآشیان رسد
ز خود بایدش گریه کردن نه خس
به فرجام، بد با تن خود کند

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) از تهیدستی خود شکوه ندارم "صائب" خار صحرای قناعت گل بی‌خار من است
 - (۲) بیا به ملک قناعت که عیش روی زمین
 - (۳) لباس عافیتی به ز خاکساری نیست
 - (۴) در کشوری که حکم قناعت بود روان
- تمام در شکن نقش بوریا خفته است
به این لباس سبک از جهان قناعت کن
از خاک، فیض آب بقا می‌توان گرفت

اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های "اسلوب معادله، حسن تعلیل، تشبیه، کنایه، تشخیص" مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- (الف) گریه شمع از برای ماتم پروانه نیست
 - (ب) دولت سنگدلان زود به سر می‌آید
 - (ج) چشم من و جدا ز تو آنگاه روشنی؟
 - (د) عریان شو از لباس تعلق که در سلوک
 - (ه) خونی که مشک گشت دلش می‌شود سیاه
- صبح نزدیک است، در فکر شب تار خود است
سیل از سینه کفسار به سرعت گذرد
روزم سیاه باد که چشم سفید نیست
سد ره است اگر همه احرام بستن است
زان سفله کن حذر که به دولت رسیده است

- (۱) ب، ج، الف، د، ه
- (۲) ب، الف، د، ج، ه
- (۳) ج، الف، ه، د، ب
- (۴) الف، ب، د، ج، ه

در عبارات زیر، به ترتیب، "زمان افعال" کدام است؟

"این مطلب را داشته باشید و حالا سری به مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردم، بزنیم."

- (۱) ماضی ساده، ماضی مستمر، مضارع التزامی
- (۲) ماضی التزامی، ماضی مستمر، مضارع مستمر
- (۳) ماضی مستمر، ماضی استمراری، مضارع مستمر
- (۴) ماضی التزامی، ماضی استمراری، مضارع التزامی

آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟

- (۱) به مومیایی مردم چه حاجت است مرا
 - (۲) بهوش باش دلی را به سهو نخرشی
 - (۳) به خاک راه تو هرکس که جبهه سایبی کرد
 - (۴) فغان که ساغر زین بی‌نیازی را
- که استخوان مرا سنگ مومیایی کرد (نغمه حروف - تشخیص)
به ناخنی که توانی گره‌گشایی کرد (کنایه - مراعات نظیر)
تمام عمر چو خورشید خودنمایی کرد (ایهام - مجاز)
گرسنه‌چشمی ما کاسه‌گذاری کرد (کنایه - تضاد)

آرایه‌های مقابل همه ابیات به جز بیت گزینه تماماً درست است.

- (۱) گرفتم آتش دل در نظر نمی‌آید
 - (۲) خاک درگاه تو چون باد بهاری مشک‌بوی
 - (۳) از صفای سینه ما گرچه داغ است، آفتاب
 - (۴) گرچه گلستان خوش است و رچه چمن دلکش است
- نگاه می‌کنی آب چشم چون جویم (تشبیه - استعاره)
آتش عشق تو همچون آب حیوان جان‌فزای (تناسب - تلمیح)
در میان زنگیان آیینۀ تاریم ما (حسن تعلیل - مجاز)
آن همه دیدم ولی آن گل رخسار کو؟ (تشبیه - ایهام)

- (۱) چو کم خوردن طبیعت شد کسی را / چو سختی پیشش آید سهل گیرد
- (۲) خوردن برای زیستن و ذکر کردن است / تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است
- (۳) کاه باید که بنزد که خریداری یافت / کهربا را چه تفاخر که پی کاه شود
- (۴) با آنکه در وجود طعام است حظ نفس / رنج آورد طعام که بیش از قدر بود

در منظومه زیر چند "وابسته وابسته" وجود دارد؟

"من صدای قدم خواهش را می‌شنوم / تپش قلب شب آدینه / جریان گل میخک در فکر / شیشه پاک حقیقت از دور / و صدای متلاشی شدن شیشه شادی در شب / پاره‌پاره شدن کاغذ زیبایی."

- (۱) شش
- (۲) هفت
- (۳) هشت
- (۴) نه

ترتیب توالی ابیات زیر از جهت داشتن آرایه‌های "اغراق، ایهام، اسلوب معادله، استعاره" کدام است؟

الف) حسن و عشق پاک را شرم و حیا در کار نیست / پیش مردم شمع در بر می‌کشد پروانه را

ب) چشمی به رخت دوخته‌ام باز که شاید / بازآیی و برهانی‌ام از چشم‌به‌راهی

ج) دورم از یار و نیارم سوی او رفتن که اشک / ساخت دریا گرد من فرسنگ در فرسنگ را

د) به لعل یار تا پیوست شد جان از فنا ایمن / چکیدن نیست آبی را که در دست گهر افتد

- (۱) ج - ب - الف - د
- (۲) د - الف - ج - ب
- (۳) ج - الف - د - ب
- (۴) الف - د - ب - ج

"دیف" در کدام بیت، گذرا است؟

- (۱) تو که احوال دل سوختگان می‌دانی / مکن انکار کسی کز غم این کار بسوخت
- (۲) ای که از تیر اناالحق خبری یافته‌ای / چه شوی منکر منصور که بر دار بسوخت
- (۳) صبر بسیار مفرمای من سوخته را / که دل ریشم از این صبر جگرخوار بسوخت
- (۴) داروی درد دل اکنون ز که جویم که طبیب / دل بیمار مرا در غم تیمار بسوخت

آرایه‌های مقابل همه ابیات به‌جز بیت گزینه درست است.

- (۱) لاله‌ای بی‌داغ از دل برنیاید سنگ را / کوه‌کن تا خون خود در دامن کھسار ریخت (تلمیح - حسن تعلیل)
- (۲) تو مپندار که دور از تو اگر خاک شوم / آتش عشق من از باد هوا بنشیند (ایهام - تشبیه)
- (۳) نیست با گفتار لب، کیفیت گفتار چشم / خوش‌تر است از لعل گویا، چشم گویایی مرا (استعاره - ایهام)
- (۴) مگس را شوق شکر می‌شود از زهر چشم افزون / ز راندن خیره‌تر گردد گدا چون بی‌حیا افتد (واج‌آرایی - اسلوب معادله)

مفهوم کدام گزینه به بیت زیر نزدیک است؟

"ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

- (۱) هرکه در آتش عشقش نبود طاقت سوز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 - (۲) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است / گو به نزدیک مرو کآفت پروانه پر است
 - (۳) صبر چون پروانه باید کردنت بر داغ عشق / هرگز نشنیدیم ز پروانه صدایی
 - (۴) نیست این پروانه را سامان شمع افروختن / ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش
- می‌کند نظاره مهتاب و از خود می‌رود

"قدری از راه را که رفتم، نشستم. جهت را نمی توانستم پیدا کنم. فکر کردم اگر پیشتر بروم به حتم گم می شوم."

- (۱) ماضی ساده، ماضی ساده، مضارع اخباری، مضارع التزامی، ماضی ساده، مضارع التزامی، مضارع اخباری
- (۲) ماضی ساده، ماضی ساده، مضارع استمراری، مضارع التزامی، ماضی ساده، مضارع التزامی، مضارع اخباری
- (۳) ماضی ساده، ماضی ساده، مضارع استمراری، مضارع اخباری، ماضی استمراری، مضارع التزامی، آینده
- (۴) ماضی التزامی، ماضی ساده، مضارع اخباری، مضارع اخباری، ماضی ساده، مضارع التزامی، مضارع اخباری

کدام گزینه با مفهوم بیت "خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام" قرابت دارد؟

- (۱) گاهی به جوی دوست چو آب روان خوشیم / گاهی چو آب حبس شدم در سبوی دوست
- (۲) چون جان جان وی آمد از وی گزیر نیست / من در جهان ندیدم یک جان عدوی دوست
- (۳) بگدازدت ز ناز و چو مویت کند ضعیف / ندهی به هر دو عالم یکتای موی دوست
- (۴) با دوست ما نشسته که ای دوست دوست کو / کو کو همی زنیم ز مستی به کوی دوست

مفهوم مقابل شعر "ریشه های ما به آب / شاخه های ما به آفتاب می رسد / ما دوباره سبز می شویم." در کدام گزینه دیده می شود؟

- (۱) غم مخور کان یوسف گم گشته باز / اینک اینک سوی کنعان می رسد
- (۲) از روز وصل در شب هجر اوفتاده ایم / آه! آن زمان کجا شد و باز این چه حال بود
- (۳) گر نخل وفا بر ندهد، چشم تری هست / تا ریشه در آب است، امید ثمری هست
- (۴) سبز کردی شاخ زرد و تازه کردی باغ خشک / سخت کردی بند سست و پخته کردی کار خام

پدیدآورنده چند اثر در مقابل آن درست آمده است؟

(تذکره الاولیا: عطار نیشابوری)، (تمهیدات: شهاب الدین سهروردی)، (از پاریز تا پاریس: محمدابراهیم باستانی)، (مثل درخت در شب باران: م. سرشک)، (قصه شیرین فرهاد: عیسی سلیمانی)، (بخاری من ایل من: محمدعلی بهمنی)، (فی حقیقة العشق: نجم الدین رازی)، (فیه ما فیه: عبدالرحمن جامی)، (کویر: دکتر علی شریعتی)

- (۱) سه (۲) چهار
- (۳) پنج (۴) شش

مفهوم همه ابیات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

- (۱) درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام
- (۲) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی / صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی
- (۳) با نیم پختگان نتوان گفت سوز عشق / خام از عذاب سوختگان بی خبر بود
- (۴) پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی چند

در کدام بیت آرایه "استعاره" بیشتر از سایر گزینه ها وجود دارد؟

- (۱) ای گل خوش نسیم من، بلبل خویش را مسوز / کز سر صدق می کند، شب همه شب دعای تو
- (۲) در جواب از تنگ شگر قند ریخت / شکر از لب های شگر خند ریخت
- (۳) آن مرغ که بر کنگره عرش نشیند / ماییم که طاووس گلستان جنانیم
- (۴) گل ها همه سر ز خاک بیرون کردند / آلا گل من که سر فروبرد به خاک

- (۱) ای درد و غم تو راحت دل / هم مرهم و هم جراحت دل
- (۲) دردم از یار است و درمان نیز هم / دل فدای او شد و جان نیز هم
- (۳) همچو نی زهری و تریاقی که دید / همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
- (۴) دردی است درد عشق که هیچش طبیب نیست / گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

کدام گزینه با بیت "دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو" معنایی دارد؟

امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو" تقابل

- (۱) آتش موسوی به طور آمد / ظلمت شب برفت، نور آمد
- (۲) آن روزگار رفت که در دولت وصال / سر ز آفتاب و ماه همی بر فراشتم
- (۳) طلسم لا شکست و دیو رفت و سحر شد باطل / کلید گنج لا الله را دندان پیدا شد
- (۴) داشت هر سحر و فسونی فلک شعبده‌باز / همه از معجز لعل لب یار آخر شد

مفهوم بیت زیر از همه ابیات دریافت می‌شود؛ به جز:

"نه بدو، ره، نه شکیبایی ازو / صد هزاران خلق سودایی ازو"

- (۱) نه سرو نازد چون قامت تو در بستان / نه ماه تابد چون عارض تو بر گردون
- (۲) نه قوتی که توانم کناره جستن ازو / نه قدرتی که به شوخیش در کنار کشم
- (۳) نه روی رفتنم از خاک آستانه دوست / نه احتمال نشستن نه پای رفتارم
- (۴) نه بخت و دولت آنم که با تو بنشینم / نه صبر و طاقت آنم که از تو درگذرم

کدام بیت با پیام شعر زیر از "خوان هشتم" قرابت مفهومی دارد؟

"رستم دستان / در تک تاریک ژرف چاه پهناور / چاه غدر ناجوانمردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان / ... گم بود"

- (۱) دشمن دوست‌نما را نتوان کرد علاج / شاخه را مرغ، چه داند که قفس خواهد شد
- (۲) افتادم اندر چنگ غم چون خس که در آتش فتد / باری عجب درمانده‌ام دست من و دامان تو
- (۳) کجا فریب دهد نقش، مرغ زیرک را؟ / نظر ز خانه رنگین به روزن است مرا
- (۴) ناجوانمردی که او در عشق جانان جان نداد / شاید از زنده‌دلی گوید که آن نامرد، مُرد

بیت: "گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را

گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست"، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- (۱) مست گوید همه بیهوده سخن / سخن مست تو بر مست مگیر
- (۲) باده با محتسب شهر ننوشی حافظ / که خورد باده‌ات و سنگ به جام اندازد
- (۳) شه اگر باده‌کشان را همه بر دار زند / گذر عارف و عامی همه بر دار بود
- (۴) مست از ادبی نمود هشیارش دان / هشیار که بی‌ادب بود مستش گیر

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) عشقش حرام بادا بر یار سروبالا / تردامنی که جانش در آستین نباشد
- (۲) گر هرکه در جهان را شاید که خون بریزی / با یار مهربانت باید که کین نباشد
- (۳) طهارت ارنه به خون جگر کند عاشق / به قول مفتی عشقش درست نیست نماز
- (۴) پروانه او گر رسدم در طلب جان / چون شمع همان‌دم به دمی جان بسپارم

- (۱) گفت: ای بیهوده‌گو حرف کم و بسیار نیست - در عمل حرام سخن از کمیت در میان نیست.
- (۲) گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست - رشوه‌خواری حرام است.
- (۳) گفت: رو صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست - همه حاکمان در باطن خلاف‌کارند.
- (۴) گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست - اوضاع جامعه نابسامان است.

تعداد تشبیهات در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) لب‌ت تا در شکفتن لاله سیراب را ماند / دلم در بی‌قراری چشمه مهتاب را ماند
- (۲) خزان خواهیم شد ساقی کنون مستی غنیمت دان / که لاله ساغر و شبنم شراب ناب را ماند
- (۳) بدین سیمای آرامم درون دریای طوفانی است / حذر کن از غریق آری که خود غرقاب را ماند
- (۴) سخن هرگز بدین شیرینی و لطف و روانی نیست / خدا را شهریار این طبع جوی آب را ماند

کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم

- (۱) آب از سرچشمه صائب لذت دیگر دهد / باده را در خانه خمار می‌باید کشید
- (۲) ساقی بیار باده و با محتسب بگو / انکار ما مکن که چنین جام جم نداشت
- (۳) روی در نقصان گذارد ماه چون گردد تمام / چون شود لبریز جامت از خمار اندیشه کن
- (۴) با محتسب عیب مگویند که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

مفهوم آیه (و فی الارض آیات للموقنین و فی انفسکم افلا تبصرون) در کدام گزینه نیست؟

- (۱) یار بی‌پرده از درودیوار / در تجلی است یا اولی الابصار
- (۲) شیدا از آن شوم که نگارم چو ماه نو / ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو ببست
- (۳) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را / کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
- (۴) جلوه‌گاه رخ او دیده من تنها نیست / ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند

آرایه‌های: "حس‌آمیزی، تلمیح، کنایه و جناس تام" به ترتیب، در کدام ابیات وجود دارد؟

الف- گرچه صد بار غمت خاک مرا داد به باد / نیست بر خاطر من از تو غباری باری

ب- چشم‌ت به خواب چشم مرا خواب می‌برد / زلفت به تاب جان مرا تاب می‌برد

ج- از سر یک دانه گندم در نمی‌آری گذشت / وز برای نزهت دل باغ رضوان بایدت

د- چنان بر صورت شیرین این دیوانه مفتونم / که در خاطر نمی‌گنجد خیال ملک پرویزم

- (۱) الف، ج، ب، د
- (۲) الف، د، ب، ج
- (۳) د، ج، الف، ب
- (۴) د، ب، الف، ج

عبارت زیر با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

"آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی‌دل پژمرد."

- (۱) لطیفه‌ای است جمالش که از لطافت و حسن / ز هر چه عقل تصور کند لطیف‌تر است
- (۲) تا قیامت تو مپندار که هشیار توان شد / زین صفت مست می عشق تو کر جام الستم
- (۳) عیب مجنون گو مکن لیلی که شرط عقل نیست / گر نداند حال دردش گو برو بنگر در آب
- (۴) گرچه نقش تو خیالی است که نتوان دیدن / همه شب چشم توام مست نمایند به خواب

مفهوم بیت "دردناک است که در دام شغال افتد شیر" یا که محتاج فرومایه شود مرد کریم" با کدام گزینه، متفاوت است؟

- (۱) شیر را از مور صد زخم اینت انصاف جهان
- (۲) تا شدم خوار تو رشکم به عزیزان آید
- (۳) با تو سگ نفس ما روباهی و مکر آرد
- (۴) چو ریزد شیر را دندان و ناخن
- (۱) پیل را از پشه صد رنج اینت عدل روزگار
- (۲) بارالها که عزیزی نشود خوار کسی
- (۳) که شیر سجود آرد در پیش شغال تو
- (۴) خورد از روبهان لنگ، سیلی

آرایه‌های "تناقض، تشبیه، کنایه، تضاد، حس‌آمیزی" به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

الف) تو گر نباشی کج بین، چگونه آید راست
 ب) غبار کوی تنزل به دیده تا نکشی
 پ) شب عید است، می‌باید در میخانه واکردن
 ت) خدا نصیب کند دیده‌ای که بتوانی
 ث) ز صدق دوستی آن‌کس که بهره‌مند بود

ز خاک بودن و خود را بر آسمان دیدن؟
 نمی‌توانی مسند بر آستان دیدن
 به می خشکی زهد روزه‌داران را دوا کردن
 به روشنایی او سود در زیان دیدن
 شکسته‌دل شود از مرگ دشمنان دیدن

- (۱) ت، ب، ث، الف، پ
- (۲) الف، ب، ث، پ، ت
- (۳) ت، ث، الف، ب، پ
- (۴) الف، ث، ت، پ، ب

در کدام گزینه کاربرد فعل "شدن" به صورت اسنادی مشاهده نمی‌شود؟

- (۱) تنگ شد شهر چو مجنون ز ملامت بر ما
- (۲) صلح کردیم به یک نقش ز نقاش جهان
- (۳) گرچه اول مس ما قابل اکسیر نبود
- (۴) صائب آن طفل یتیمیم در آغوش جهان
- آخر از زخم زبان در دهن شیر شدیم
- محو یک چهره چو آیینۀ تصویر شدیم
- آن‌قدر سعی نمودیم که اکسیر شدیم
- که به دریوزه به صدخانه پی شیر شدیم

مفهوم وند "ان" در کدام گزینه با بیت زیر یکسان است؟

"بامدادان که تفاوت نکند لیل و بهار
 خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار"

- (۱) گه ز سپاهان و حجاز و عراق
- (۲) چو خندان شد و چهره شاداب کرد
- (۳) ناقه را چون ماه بر کوهان بود
- (۴) کنون عمرم به پاییزان رسیده است
- مطرب آن ماه خراسان شوی
- ورا نام تهمینه سهراب کرد
- نام چرخ مشتری فالش کنم
- بهار نیکوی از من رمیده است

بیت زیر با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

"هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد
 هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد"

- (۱) مقدار یار هم‌نفس چون من نداند هیچ‌کس
- (۲) کی به وصل از سینه عاشق تمنا کم شود
- (۳) اگرچه صبر من از روی دوست ممکن نیست
- (۴) نتوان فریفت تشنه دیدار را به آب
- ماهی که بر خشک اوفتد، قیمت بداند آب را
- نیست ممکن تشنگی از آب دریا کم شود
- همی‌کنم به‌ضرورت چو صبر ماهی از آب
- عاشق نظر به چشمۀ کوثر نمی‌کند

- (۱) صدای سایش بال‌های خیال تنها سخنی است که سکوت ابدی کویر را نشان می‌دهد.
- (۲) کویر انتهای زمین است، پایان سرزمین حیات است در کویر گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم.
- (۳) شب کویر این موجود زیبا و آسمانی شبی است که از بامداد آغاز می‌شود، شب کویر به وصف نمی‌آید.
- (۴) آن باغ پر از گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی‌درد و بی دل پژمرد.

کدام بیت با سایر ابیات تضاد مفهومی دارد؟

- (۱) به غربت از وطن چون ماه کنعان صلح کن صائب
که جز یاد وطن مکروه در غربت نمی‌باشد
- (۲) سختی کنج وطن از راحت غربت به است
کی شرر گردد به پای خود ز خارا رفتنی
- (۳) سیاه روی عقیق از جدایی یمن است
کبود چهره یوسف ز دوری وطن است
- (۴) چون تو در غربت نیفتادی چه دانی حال من
محنت غربت نداند هیچ‌کس الا غریب

کارکرد حرف "را" در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) دام راه خضر نتواند شدن موج سراب
دامن افشاندن ز دنیا نیست مشکل عشق را
- (۲) حُسن و عشق صاف دل آیینۀ یکدیگرند
می‌کند یکرنگی معشوق، یکدل عشق را
- (۳) گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
- (۴) خوبان پارسی‌گوی بخشدگان عمرند
ساقی بده بشارت زندان پارسا را

آرایه‌های مقابل همه ابیات به جز بیت گزینه درست ذکر شده است.

- (۱) تو مپندار که دور از تو اگر خاک شوم
آتش عشق من از باد هوا بنشیند (ایهام - تشبیه)
- (۲) زان لعل آبدار خوشم با جواب خشک
چون آب زندگی است گوارا سراب تو (استعاره - حس آمیزی)
- (۳) اسباب پریشانی جمع است برای من
جمعیت اگر خواهی زان طره پریشان باش (متناقض‌نما - تشخیص)
- (۴) بر دوش من افکند فلک بار امانت
زان چرخ‌زان است که این بار ندارد (تلمیح - حسن تعلیل)

آرایه‌های "اسلوب معادله، مجاز، تضاد، تناسب" به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟

- الف) بلبلان نیک زهره می دارند
با گل از دست باغبان گفتن
- ب) ندانم از سر و پایت کدام خوب‌تر است
چه جای فرق که زیبا ز فرق تا قدمی
- ج) دیوانگان نترسند از صولت قیامت
بشکبید اسب چوبین از سیف و تازیانه
- د) چون غنچه در ریاض جهان، برگ عیش ما
اوراق هستی‌ای است که بر باد داده‌ایم

- (۱) ج، د، الف، ب
- (۲) د، ب، الف، ب
- (۳) الف، ج، ب، د
- (۴) ج، الف، ب، د

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- "شکرت شور جهانی و جهانی مشتاق"
- عالمی تشنه و عالم همه پُر آب زلال
- (۱) استعاره، ایهام، تضاد، مراعات نظیر
- (۲) ایهام، مجاز، مراعات نظیر، تشبیه
- (۳) تشبیه، ایهام تناسب، جناس تام، تضاد
- (۴) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، اغراق

- (۱) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست صاحب‌خبر بیامد و من بی‌خبر شدم
- (۲) گران‌جان‌تر ز شبنم نیست جان ناتوان من اگر می‌بود با من روی گرمی آفتابش را
- (۳) رسید ناله سعدی به هرکه در آفاق هم آتشی زده‌ای تا نفیر می‌آید
- (۴) هرکه سودای تو دارد چه غم از هرکه جهانش نگران تو چه اندیشه و بیم از دگرانش

"هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش"

- (۱) تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده‌ست؟
- (۲) چون مرغ بر این کنگره تا کی بتوان خواند یک روز نگه کن که بر این کنگره خشتیم
- (۳) سعدیا کنگره وصل بلند است و هر آنک پای بر سر نهد، دست وی آنجا نرسد
- (۴) کوس (طبل) ناموس تو بر کنگره عرش ز نیم غلم عشق تو بر بام سماوات بریم

- (۱) ما را سرِ باغ و بوستان نیست هر جا که تویی تفرّج آنجاست
- (۲) شوق را بر صبر قوّت غالب است عقل را با عشق دعوی باطل است
- (۳) باز آی که از غم تو ما را چشمی و هزار چشمه آب است
- (۴) نه هرکه چشم و گوش و دهان دارد آدمی است بس دیو را که صورت فرزند آدم است

- (۱) دل به دشمن چون ملایم شد مصفا می‌شود سنگ با آتش چو نرمی کرد مینا (شیشه) می‌شود
- (۲) مریض، مصلحت خویش را نمی‌داند به تلخ و شور طبیب زمانه قانع باش
- (۳) دوستی با ناتوانان، مایه روشن‌دلی است موم چون با رشته سازد شمع محفل می‌شود
- (۴) لقمه افتد ز دهن چون نبود قسمت کس روزی از نگر کز بن دندان ریزد

- (۱) جناس تام، تشخیص (۲) تضاد، استعاره
- (۳) حس آمیزی، مراعات نظیر (۴) تکرار، اسلوب معادله

"ملامتم می‌کردند که با این تصدیق گران‌قدر، چرا در ایل مانده‌ای و عمر را به بطالت می‌گذرانی؟! باید عزیزان و کسانت را ترک گویی."

- (۱) ماضی مستمر، ماضی ساده، مضارع اخباری، مضارع التزامی
- (۲) ماضی مستمر، ماضی نقلی، مضارع مستمر، مضارع التزامی
- (۳) ماضی استمراری، ماضی نقلی، مضارع اخباری، ماضی التزامی
- (۴) ماضی استمراری، ماضی نقلی، مضارع اخباری، مضارع التزامی

در عبارات زیر، زمان افعال به ترتیب کدام است؟
 "دلّاک جوان ایل، پیام فرستاده بود که باید بی‌نیازم کنی. بیچاره خبر نداشت که بانک، فقط هزینۀ هفته‌ای از ماهم را می‌داد."

- (۱) ماضی ساده، مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری
- (۲) ماضی بعید، مضارع التزامی، ماضی مستمر، مضارع اخباری
- (۳) ماضی نقلی، مضارع اخباری، ماضی ساده، ماضی استمراری
- (۴) ماضی بعید، مضارع التزامی، ماضی ساده، ماضی استمراری

مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- (۱) آتش به دو دست خویش در خرمن خویش / من خود زده‌ام چه نالم از دشمن خویش
- (۲) گرچه دانم که نیک بد کردم / چه توان کرد چون که خود کردم
- (۳) کفن بر تن تند هر کرم پیله / برآرد آتش از خود هر چناری
- (۴) من نیک تو خواهم و تو خواهی بد من / تو نیک نبینی و به من بد نرسد

ترتیب درست آرایه‌های "تشبیه - پارادوکس - حس‌آمیزی - اسلوب معادله - کنایه" کدام است؟

- (الف) همچو آب است این سخن به جهان / پاک و روشن روان‌فزا و روان
 - (ب) چون دل شکست ناید از وی سخن طرازی / از کاسۀ شکسته آواز برنخیزد
 - (ج) در ترک اعتبار است گر هست اعتباری / چون سر برهنه گردید، گردون کلاه گردد
 - (د) لبی خامش‌تر از گوش صدف آماده می‌باید / طلبکار وصال دژ شهوار معانی را
 - (ه) از گلیم خویش نگذارد برون پا مرد عشق / دل کند هرچند طیران در فضای خود بود
- (۱) الف - د - ب - ج - ه
 - (۲) د - ج - الف - ه - ب
 - (۳) د - ج - ب - ه - الف
 - (۴) الف - ب - د - ه - ج

در همه گزینۀها تعداد وابسته‌های پیشین و پسین به ترتیب درست است؛ به‌جز:

- (۱) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد (سه - سه)
- (۲) داشتم می‌گفتم، آن شب نیز سورت سرمای دی بیداد می‌کرد (یک - دو)
- (۳) رخس خود را دید / رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی‌همتا (دو - سه)
- (۴) رخس رخشنده با هزاران یادهای روشن و زنده ... (یک - سه)

بیت "هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد / هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد" با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- (۱) اگر دریا ز احسان چند روزی داشت سیرابش / ز فلس خویش هم ماهی توانگر کرد دریا را
- (۲) کی به وصل از سینۀ عاشق تمنا کم شود / نیست ممکن تشنگی از آب دریا کم شود
- (۳) کی شود با یکدگر مژگان عاشق آشنا / نیست نبض موج را امکان آسودن در آب
- (۴) نتوان فریفت تشنه دیدار را به آب / عاشق نظر به چشمۀ کوثر نمی‌کند

در همه گزینۀها فعلی که دربردارندۀ مفعول و مسند باشد، وجود دارد، به‌جز

- (۱) خشم مردان خشک گرداند سحاب / خشم دل‌ها کرد عالم‌ها خراب
- (۲) حیلۀ کرد انسان و حیلۀ اش دامن بود / آنک جان پنداشت خون‌آشام بود
- (۳) جان عشاق سپند رخ خود می‌دانست / و آتش چهره بدین کار برافروخته بود
- (۴) زاهد ار پنداشت با تسبیح او گردد سپهر / بی‌خبر زان چشم مست و گردش پیمانه بود

- (۱) گم‌شدن در گم‌شدن دین من است نیستی در هست آیین من است
(۲) چون به یک‌دم صد جهان واپس کنم بنگرم گام نخستین من است
(۳) من چرا گرد جهان گردم چو دوست در میان جان شیرین من است
(۴) تا پیاده می‌روم در کوی دوست سبز خنگ چرخ در زین من است

- (۱) تا سوخته نبود دلی در وی نگیرد سوز من آتش کجا خیزد کسی گر دم به خاکستر دمد
(۲) با سوخته‌جانان چه کند حرف جگرسوز از داغ محابا نبود لاله‌ستان را
(۳) در دو عالم یک سخن فهمم بس است تا دلی خالی کنم آن‌هم کجاست
(۴) کو سوخته‌ای که جان او می‌سوزد تا بو که بداند که چه می‌گویم من

- آرایه‌های "اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی" به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟
(الف) وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یکدیگر جداست هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است
(ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد دارد اگر وجود، شراب شبانه است
(ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار دود خشک شمع ریحان تر پروانه است
(د) از تهی‌مغزی است امید گشاد از ماه عید ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است

- (۱) ج، ب، الف، د (۲) ج، ب، د، الف
(۳) د، ب، الف، ج (۴) د، ج، ب، الف

- (۱) که می‌داند که خشت هر سرایی کدامین سروقد نازنین است (سه)
(۲) ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش دلم از عشوه شیرین شکرخای تو خوش (چهار)
(۳) با چون تو حریفی به چنین جای در این وقت گر باده خورم خمر بهشتی نه حرام است (دو)
(۴) در وهم نیاید که چه دل‌بند و چه شیرین در وصف نیاید که چه مطبوع و چه زیباست (چهار)

- (۱) گفت بر من ختم شد اسرار عشق جمله شب می‌کنم تکرار عشق
(۲) کی بود سیمرغ را پروای من بس بود فردوس عالی جای من
(۳) گفت من از شوق دست شهریار چشم بر بستم ز روی روزگار
(۴) چون مرا با آب افتاده است کار از میان آب چون گیرم کنار

ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های: "مجاز، حسن تعلیل، حس‌آمیزی، استعاره و ایهام"، کدام است؟
 الف) چو چشمه خضر از شعر من روان افزاست
 ب) گل امید من آن روز رنگ می‌گیرد
 ج) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب
 د) سر پابوس تو دارم من و هیاهات کجا
 ه) فشانند سنبل و چون گل ز غنچه رخ بنمود

۱) ب، ج، الف، ه، د ۲) ب، د، ه، ج، الف

۳) د، ج، ب، ه، الف ۴) د، ه، ب، الف، ج

مفهوم بیت زیر از کدام بیت دریافت می‌شود؟
 (ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد)

که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی)

۱) تو نوری را که از خورشید رخشان می‌شود حاصل ز خاک تیره می‌جویی زهی سرگشته شیدا

۲) صفای باطنت روشن کند چون صبح مهر دل که صدق اندرونی را توان دانست از سیما

۳) مرا توفیق طاعت بخش و خطی ده ز درویشی چنان خطی که از هر دو جهانم باشد استغنا

۴) بدی کان بر تو می‌آید ز چشم است و زبان و دل مباش ایمن که روز و شب تو را در خانه اند اعدا

توالی ابیات زیر بر اساس آرایه‌های "جناس، حس‌آمیزی، ایهام، اغراق، کنایه" به ترتیب کدام است؟
 الف) در هر کمین که آن ترک تیر از کمان گشاید
 ب) نیست ممکن واشود دل بی‌سخن‌های لطیف
 ج) آهنگ آن دارد دلم کز پرده بیرون اوفتد
 د) بر رهگذرت بسته‌ام از دیده دوصد جوی
 ه) بی‌سخن غنچه‌لبان مست مدامم کردند
 دل را هدف توان ساخت جان را سپر توان کرد
 کز نسیم صبح دارد غنچه نسرين کلید
 مطرب گر این ره می‌زند گو پست گیر آهنگ را
 تا بوکه تو چون سرو خرامان به درآیی
 باده از شیشه سربسته به جامم کردند

۱) الف، ب، ه، ج، د ۲) ج، ه، الف، ب، د

۳) الف، ج، ب، ه، د ۴) ج، ب، ه، د، الف

مفهوم "مراقبت" از کدام گزینه دریافت می‌شود؟

۱) رانديم ز دل هرچه نه با یاد خدا بود پس در کنف سایه وی جای گزیدیم

۲) تقدیر قوی را چه کند رای ضعیفان هم از ره تدبیر به تقدیر رسیدیم

۳) انصاف نباشد که برنجیم و نسجیم با خود که چه مقدار تبه‌کار و پلیدیم

۴) تا عاقبت، احرام در کعبه مقصود بستیم و دل از نیک و بد خلق بریدیم

آرایه‌های موجود در بیت:
 "اگر از سینه مور ضعیفی پرده‌برداری هزاران کوه غم بر دل از آن موی کمر دارد" در کدام گزینه تماماً درست است؟

۱) ایهام، کنایه، مجاز، جناس، تلمیح ۲) کنایه، اغراق، مجاز، جناس، تشبیه

۳) تناقض، تشبیه، مجاز، اغراق، اسلوب معادله ۴) کنایه، اغراق، تناقض، تشبیه، مجاز

رابطه معنایی جفت‌واژه‌های کدام گزینه، از نوع "تضمن" است؟

۱) (سیر و کاشتن)، (سهند و سبلان) ۲) (کشور و ایران)، (فرزند و دختر)

۳) (آزس و کارون)، (سیر و پیاز) ۴) (سیر و گرسنه)، (گرم و وزن)

فارسی

گزینه ۳

۱

مفهوم "ناتوانی انسان در توصیف معشوق (خداوند)" مشترکاً در ابیات گزینه‌های "۱، ۲ و ۴" مطرح شده است، اما شاعر در بیت گزینه "۳"، می‌گوید: من نمی‌توانم معشوق را تماشا نکنم (نمی‌توانم تماشای معشوق را ترک کنم).

گزینه ۲

۲

بررسی تشبیه در گزینه ۲:
 مشبّه: رنگ زمین و طبع زمان / مشبّه‌به: رخ و دم / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: ندارد
 وجه شبه در سایر گزینه‌ها:
 (۱) به پیچ‌وتاب افتادن
 (۳) ناله داشتن
 (۴) مشهور و شب‌نشین بودن

گزینه ۲

۳

معنای آیه صورت سؤال چنین است: "هرکه را بخواهی عزیز می‌گردانی و هرکه را که بخواهی خوار می‌گردانی" این مفهوم در ابیات گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ نیز آمده است، اما در گزینه "۲" شاعر می‌گوید: "همه موجودات (دوست یا دشمن) از نعمت‌های خداوند بهره‌مند می‌شوند."

گزینه ۱

۴

گزینه ۲: شیخ و شاب
 گزینه ۳: خطا و صواب
 گزینه ۴: خاموش و غلغله

گزینه ۴

۵

مفهوم بیت "۴": جان‌فشانی و گذشتن از دو عالم در راه عشق
 مفهوم ابیات مرتبط: نادیده گرفتن خود و ترک خودپرستی در راه عشق محبوب ازلی

گزینه ۳

۶

دو واژه "طولانی و روشن": یعنی مسندهای دو جمله، علاوه بر معانی مشخص خود، از طریق رابطهٔ همنشینی با نهاد، در تشخیص معنای "ماه" کمک می‌کنند و به کمک آن دو، می‌فهمیم که منظور از "ماه" نخست یکی از دوازده ماه سال و منظور از دومین "ماه"، ماه آسمانی است.

ترکیب‌های وصفی: همه‌چیز، همه احوال، همین دلیل، هیچ پیشامد، پیشامد جالب، هیچ حادثه، حادثه سوء، یکتا، همه دلتنگی‌ها، این عالم، این خاکساری، این تواضع (۱۲ ترکیب)
واژه "هیچ" در جمله پایانی در معنای "اصلاً یا هرگز" قید است و صفت مبهم محسوب نمی‌شود.

ج) تشخیص: نارون که سپر بر سر می‌گیرد.
ب) ایهام تناسب: "کنار": ۱ - نزدیک (معنای موردنظر شاعر) ۲ - ساحل (متناسب با موج)
الف) تناقض: غم، بانگ و سرور می‌آورد.
د) اسلوب معادله: در گرفتاری، کمی توجه، بسیار زیاد به نظر می‌آید، همان‌طور که در درون قفس، یک گیاه با شاخه گل برابری می‌کند.
ه) تشبیه: گلگونه شفق

"کشتی عمر - موج شوق - بحر فراق" همگی در این گزینه اضافه تشبیهی‌اند.
بررسی گزینه‌های دیگر:
گزینه "۱": "مرغ دل" و "آشیان فراق" اضافه تشبیهی هستند.
گزینه "۲": "دل کباب شدن" و "خون جگر خوردن" کنایه دارند. / "خوان فراق": اضافه تشبیهی
گزینه "۴": "چنبر عشق" و "ریسمان فراق" اضافه تشبیهی هستند. / "گردن صبر": اضافه استعاری

این سروده شعر بی‌معیار و فقط و فقط شعر خوب و زیبا نیست.

اشاره به رازپوشی عارفانه ← عاشق حقیقی اهل سخن گفتن نیست.
تحلیل سایر ابیات:
۱) رؤیت جلوه معشوق و ازخودبی خود شدن
۲) انتظار خبر معشوق
۳) جانبازی در راه معشوق

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های "۱"، "۳" و "۴" یادآور ضرب‌المثل "از ماست که بر ماست" می‌باشد و بیانگر این نکته است که ریشه شکست و گرفتاری‌های آدمی، اندیشه و کردار خود اوست. اما شاعر در بیت گزینه "۲" می‌گوید: افرادی که از جایگاه و منزلت والا برخوردارند، بیشتر از دیگران در معرض خطرات و حوادث قرار دارند.

مفهوم بیت گزینه "۳"، توصیه به فروتنی و افتادگی است.
مفهوم مشترک ابیات مرتبط: شاعر به قناعت و ساده‌زیستی افتخار می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه "۱": از فقر خود شکایتی ندارم، که خار صحرای قناعت همانند گل بدون خار برای من زیبا و ارزشمند است. (قناعت برای من ارزشمند است، پس قناعت می‌کنم).

گزینه "۲": به سرزمین قناعت بیا که عیش و خوشی زندگی در نقش بوریا = (حصیر) وجود دارد. (قناعت دلیز است)
گزینه "۴": در سرزمینی که مردم آن قناعت می‌کنند، از خاک می‌توانیم به اندازه آب بقا بهره ببریم.

ب) اسلوب معادله: مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است: خوشبختی ظالمان زود به پایان می‌رسد، همان‌طور که سیل از کوهساران به سرعت عبور می‌کند.

الف) حسن تعلیل: شاعر برای ذوب شدن شمع (که از آن به گریستن تعبیر شده) دلیلی شاعرانه آورده است: اگر شمع اشک می‌ریزد (ذوب شدن شمع)، غمگین است زیرا با آمدن صبح، خاموش می‌شود.

د) تشبیه: "لباس تعلق" و "احرام بستن مانند سدّ ره است"

ج) "سیاه‌روز بودن" کنایه از "بدبخت بودن"، "چشم‌سفید بودن" کنایه از "بی‌ادب و گستاخ بودن" یا "نابینایی"
ه) تشخیص: "دل داشتن خون"

داشته باشید ← ماضی التزامی

می‌کردم ← ماضی استمراری

بزنیم ← مضارع التزامی

۱) واج‌آرایی یا نغمه حروف: تکرار حرف "م" / تشخیص: سنگ استخوان مرا مومیایی کرد (زبان فارسی ۳، درس ۱۴)
۲) کنایه: دل خراشیدن ← ناراحت کردن؛ گره‌گشایی کردن ← حل کردن مشکل (ادبیات ۲، درس ۵) / مراعات نظیر ← ناخن، خراشیدن، گره‌گشایی

۳) ایهام و مجاز ندارد.

۴) کنایه: گرسنه‌چشمی ← حریص بودن / تضاد: بی‌نیازی و گدایی

گزینه "۴": گل رخسار: تشبیه / بیت آرایه ایهام ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه "۱": آتش: استعاره از عشق / آب چشم چون جوی: تشبیه

گزینه "۲": خاک، باد، آب، آتش: تناسب / آب حیوان: اشاره به آب حیات که در ظلمات است. (تلمیح)

گزینه "۳": سینه: مجاز از دل / علّت گرمی آفتاب، صفای سینه ما است: حسن تعلیل

عبارت صورت سؤال و بیت گزینه ۴ هردو، آدمی را از افراط و زیاده‌روی در خوردن باز می‌دارند؛ زیرا پرخوری موجب رنج و آزار انسان می‌شود. (ادبیات ۲، درس ۵)
 بررسی مفهوم ابیات:
 (۱) اگر کسی به کم خوردن عادت کند، هنگامی که سختی پیش آید، به راحتی از آن عبور خواهد کرد.
 (۲) خوردن برای آن است که آدمی زنده بماند و ذکر حق بگوید اما تو معتقد هستی که زندگی کردن فقط برای خوردن است.
 (۳) اگر کاه خریداری پیدا کند، باید افتخار کند و گرنه اگر کهریا در پی کاه باشد (کاه را جذب کند) افتخاری نیست.
 (۴) بآنکه وجود غذا و خوراک موجب بهره، خوشی و لذت انسان می‌شود اما وقتی بیش از حد از آن استفاده شود (پرخوری)، رنج و آزار آدمی را در پی خواهد داشت.

صدای قدم خواهش: مضاف‌الیه مضاف‌الیه / تپش قلب شب آدینه: مضاف‌الیه مضاف‌الیه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه / جریان گل میخک: مضاف‌الیه مضاف‌الیه / صدای متلاشی شدن شیشه شادی در شب: مضاف‌الیه مضاف‌الیه، مضاف‌الیه مضاف‌الیه / پاره‌پاره شدن کاغذ زیبایی: مضاف‌الیه مضاف‌الیه – جمعاً هفت "وابسته وابسته" دارد.

(ج) نمی‌توانم نزد یار بروم، زیرا اشک فرسنگ‌ها اطراف ما را تبدیل به دریا کرده است: اغراق / (ب) "باز" در مصراع اول دو معنا دارد – ۱- گشاده، ۲- دوباره: ایهام / (الف) عشق پاک شرم و حیا نمی‌شناسد، همان‌طور که شمع در مقابل مردم پروانه را در آغوش می‌کشد: اسلوب معادله / (د) "لعل" استعاره از "لب"

فعل "بسوخت" از نظر گذر، دو وجهی است؛ یعنی در وجه گذرا و ناگذر به کار می‌رود. در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ فقط به نهاد نیاز دارد و ناگذر است اما در گزینه ۴ علاوه بر نهاد به مفعول هم نیاز دارد.
 بررسی گزینه‌ها:
 (۱) نهاد: کسی / بسوخت: فعل ناگذر
 (۲) نهاد: او (منصور) / بسوخت: فعل ناگذر
 (۳) نهاد: دل ریش / بسوخت: فعل ناگذر
 (۴) نهاد: طبیب / مفعول: دل بیمار مرا / بسوخت (سوزاند): فعل گذرا به مفعول
 (زبان فارسی ۳، درس ۷)

استعاره: "لعل" استعاره از "لب" / ایهام ندارد.
 تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینه ۱: "تلمیح: مصراع دوم، اشاره‌ای است به داستان فرهاد، عاشق شیرین / حسن تعلیل: شاعر دلیل داغدار بودن لاله‌ها را سوگواری آن‌ها بر مرگ فرهاد دانسته است.
 گزینه ۲: "ایهام: دور از تو": ۱- در هجران تو ۲- از تو دور باد (جمله دعایی) / تشبیه: آتش عشق
 گزینه ۴: "واج‌آرایی: تکرار واج "ش"، "ر" / اسلوب معادله: مصراع دوم مصداق و مثالی برای توجیه مفهوم مصراع اول است.

بیت صورت سؤال و بیت گزینه "۲"، به بی‌ادعایی عاشق حقیقی و سکوت او اشاره می‌کنند.
گزینه "۱": به هرکه تحمل آتش عشق را ندارد بگو به نزدیک آن نرود، چون جان خود را از دست می‌دهد.
گزینه "۳": همانند پروانه باید در عشق صبور باشی.
گزینه "۴": این پروانه با دیدن نور ماه نیز از بین می‌رود.

رفتم ← ماضی ساده / نشستم ← ماضی ساده / نمی‌توانستم ← ماضی استمراری / کنم ← مضارع التزامی / کردم ← ماضی ساده / بروم ← مضارع التزامی / می‌شوم ← مضارع اخباری
توجه: در این‌گونه پرسش‌ها علاوه بر شکل ظاهری فعل باید به معنی و کاربرد فعل نیز توجه داشت.

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه "۴" این است که حقیقت خداوند در وجود هر انسان نهفته است و هرکس برای یافتن او باید به سیر در خویشتن بپردازد.

در صورت سؤال امید به پیشرفت و بهترشدن وجود دارد اما پیام گزینه "۲" تغییر شرایط از مناسب به نامناسب دیده می‌شود. در گزینه‌های دیگر نیز همچون شعر صورت سؤال امید به بهترشدن، پیام اصلی بیت است.

آثاری که پدیدآورنده آن‌ها نادرست است:
تمهیدات: عین القضاة همدانی / قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو / بخارای من ایل من: محمد بهمن بیگی / فی حقیقة‌العشق: شهاب‌الدین سهروردی / فیه ما فیه: مولوی

مفهوم ابیات گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ انسان‌های بی‌بهره از عشق (خام) حال افراد عاشق را در نمی‌یابند، اما در بیت گزینه "۲" آمده است: برای آنکه انسان خامی به کمال برسد (پخته گردد) باید بسیار سفر کند و تجربه کسب نماید.

"تنگ شکر": استعاره از "دهان" / "قند": استعاره از "سخن نغز و دلنشین" / "شکر": استعاره از "سخن نغز"، گزینه "۲" سه استعاره دارد.
بررسی گزینه‌های دیگر:
گزینه "۱": "گل" استعاره از "معشوق" و "بلبل" استعاره از "عاشق"
گزینه "۳": استعاره: "کنگره عرش"
گزینه "۴": "گل‌ها" تشخیص و استعاره / "گل" در مصراع دوم استعاره از "یار" (دو استعاره)

مفهوم مشترک: درد و درمان هر دو از جانب معشوق است و بر عاشق گوارا. (عشق در عین دردآفرینی، درمان بخش است.) (ادبیات چهارم، درس ۱)

- (۱) ای کسی که درد و غم تو باعث آرامش قلبی من است. هم زخم و هم درمان آن از تو است.
- (۲) دردم از جانب معشوق است و درمان هم از طرف اوست، دل‌وجان من فدای معشوق است.
- (۳) نی هم مثل زهر است و هم پادزهر (هم درد و هم درمان) نی هم در کنار ما است و هم مشتاق دیدار.
- (۴) درد عشق هیچ درمانی ندارد و اگر عاشق همواره بیمار است تعجبی ندارد. (ادبیات چهارم، درس ۱)

پیام مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌های "۱، ۳ و ۴" به پایان رسیدن رنج و ظلمت و فرارسیدن نیکی و آسایش است، اما در گزینه "۲" عکس این معنی آمده است.

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های "۲، ۳ و ۴" این است که نه امکان وصال برای عاشق میسر است و نه طاقت هجران و دوری از یار امکان‌پذیر می‌باشد. اما در بیت گزینه "۱" با بیانی اغراق‌آمیز، زیبایی یار بر سرو و ماه ترجیح داده شده است.

مفهوم شعر صورت سؤال و بیت گزینه "۱": بیان ناجوانمردی و خیانت افراد ناجوانمرد است.
بررسی گزینه‌های دیگر:

- گزینه "۲": در چنگال غم اسیرم، به دادم برس.
- گزینه "۳": فرد هوشیار و زیرک هیچ‌گاه فریب نمی‌خورد.
- گزینه "۴": اگر کسی که مدعی عشق است، در عشق محبوب نمیرد، نامرد است.

معنی و مفهوم بیت صورت سؤال : [محتسب] گفت: باید انسان هوشیار، انسان شراب‌خوار و مست را مجازات شرعی کند. [مست] گفت: اگر می‌توانی در این شهر کسی را پیدا کن که هشیار باشد (مست نباشد). (ادبیات چهارم، درس ۱۷) مفهوم "مست بودن و هشیار نبودن همه افراد جامعه" مشترکاً در بیت صورت سؤال و گزینه ۳ یافت می‌شود.
بررسی مفهوم گزینه‌ها:

- (۱) انسان مست، سخن بیهوده می‌گوید. تو انسان مست را با سخن بیهوده اش بازخواست نکن (خرده‌نگیر).
- (۲) ای حافظ، با محتسب شهر شراب‌نوش؛ زیرا او شرابت را می‌نوشد و جام شرابت را می‌شکند.
- (۳) اگر قرار باشد شاه همه باده‌نوشان را اعدام کند، گذر همه مردم اعم از عارف و عامی بر دار خواهد بود. (عارف و عامی اهل باده‌نوشی هستند).
- (۴) اگر انسان مست، رفتار مؤذبان‌ه‌ای داشت، تو او را هشیار بدان و اگر انسان هشیار مرتکب بی‌ادبی شد، تو او را مست تصور کن.

گزینه‌های "۱، ۳ و ۴" به مفهوم جان‌فشانی عاشق در برابر معشوق اشاره دارند.

مفهوم کنایی عبارت، نابسامانی اوضاع جامعه و غفلت زدگی قاضی است.

در گزینه "۱"، سه تشبیه به کار رفته است:

(۱) لب مانند لاله سیراب

(۲) دل مانند چشمه مهتاب

(۳) چشمه مهتاب (اضافه تشبیهی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه "۲": (۱) لاله مانند ساغر (۲) شبنم مانند شراب

گزینه "۳": (۱) درون مانند دریای طوفانی (۲) غریق مانند غرقاب

گزینه "۴": (۱) طبع مانند جوی آب

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه "۴"، "تباهی و نادرستی رایج در دستگاه حکومت است."

مفهوم آیه صورت سؤال، این است که "جهان هستی و درون انسان تجلی‌گاه خداوند است" که در گزینه‌های "۱"، "۳" و "۴" نیز همین مفهوم وجود دارد. گزینه "۲"، می‌گوید: معشوق لحظه‌ای کوتاه خود را به من نشان داد و عاشقم کرد و پنهان شد.

(د) حس‌آمیزی: "صورت شیرین" آمیختن دو حس بینایی (صورت) و چشایی (شیرین) صورت گرفته است. (زبان فارسی ۳، درس ۱۴)

(ج) تلمیح: اشاره دارد به داستان حضرت آدم که دانه گندم موجب فریب و رانده شدن او از بهشت شد. (ادبیات ۲، درس ۱)

(الف) کنایه: به باد دادن خاک کسی ← کشتن و نابود کردن او (ادبیات ۲، درس ۵)

(ب) جناس تام: تاب اول: پیچ و شکن زلف، تاب دوم: تحمل، شکیبایی، قرار، آرامش (ادبیات ۳، درس ۸)

مفهوم "تضاد عقل و احساس" در هر دو دیده می‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه "۱": زیبایی معشوق

گزینه "۳": بی‌قراری عاشق

گزینه "۴": دیدن معشوق در خواب

"گرفتاری انسان با شأن و منزلت، به دست انسان پست و بی‌ارزش" در بیت صورت سؤال و گزینه‌های "۱"، "۲" و "۴" مطرح شده است.

تناقض ← بیت "ت": سود در زیان دیدن

تشبیه ← بیت "ب": غبار کوی (مشبه به) تنزل (مشبه) اضافه تشبیهی

کنایه ← بیت "ث": شکسته دل بودن

تضاد ← بیت "الف": "از خاک بودن و بر آسمان دیدن" (خاک و آسمان)

حس‌آمیزی ← بیت "پ": "خشکی زهد"

پی شیر شدیم: رفتیم ← غیراسنادی
 فعل اسنادی در گزینه‌های دیگر:
 گزینه "۱": تنگ شد شهر
 گزینه "۲": محو شدیم
 گزینه "۳": اکسیر شدیم

"ان" در واژه "بامدادان" در بیت صورت سؤال و در واژه "پاییزان"، در گزینه "۴" در مفهوم زمان به کار رفته است.

"سیری ناپذیری عاشق از عشق" مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینه "۲" است.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

- ۱) تشبیه: صدای سایش بال‌های خیال (مشته)، سخن (مشته به) / پارادوکس: سخن، سکوت کویر را نشان می‌دهد.
 ۳) تشبیه: شب کویر (مشته)، این موجود زیبا (مشته به) / پارادوکس: آغاز شدن شب از بامداد
 ۴) تشبیه: گل‌های شعر و خیال (تشبیه شعر و خیال به گل: اضافه تشبیهی) / پارادوکس: سموم سرد (سموم: باد گرم و مهلک) سرد بودن سموم، متناقض‌نما یا پارادوکس است. (ادبیات چهارم، درس ۲۰)

در بیت‌های مرتبط به دشواری غربت و دوری از وطن اشاره شده است اما شاعر در بیت گزینه "۱" غربت را خوشایند و یاد وطن را ناخوشایند می‌داند.

حرف "را" در ابیات گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ حرف اضافه و در بیت گزینه "۲" نشانه مفعول است: یکرنگی معشوق، عشق را یکدل می‌کند.
 تشریح گزینه‌های دیگر:

- گزینه "۱": دامن افشاندن ز دنیا برای عشق مشکل نیست.
 گزینه "۳": دوست برای ما [باشد] و همه نعمت دنیا برای شما [باشد].
 گزینه "۴": ای ساقی، به رندان پارسا بشارت بده.

متناقض‌نما: جمعیت (آرامش) را در پریشانی دانستن / تشخیص: ندارد
 تشریح گزینه‌های دیگر:

- گزینه "۱": ایهام: دور از تو ← ۱- در هجران تو ۲- از تو دور باد (جمله دعایی) / تشبیه: آتش عشق
 گزینه "۲": استعاره: لعل ← لب / حس‌آمیزی: جواب خشک
 گزینه "۴": تلمیح: "بار امانت" اشاره‌ای است به آیه "اَنَا غَرَضْنَا الْإِمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ..." / حسن تعلیل: شاعر دلیل گردش فلک را، سبک‌باری آن دانسته است.

بیت "الف": "دست" مجاز از "اعمال" / بیت "ج": مصراع دوم مصداق و مثالی برای مصراع اول است: اسلوب معادله / بیت "ب": "سر و پا" و "فرق و قدم" تضاد / بیت "د": "غنچه، برگ، ریاض" تناسب

ردّ گزینه: در گزینه ۱ و ۲ ایهام وجود ندارد و در گزینه ۳ جناس تام به کار نرفته است.
استعاره: شکر و آب زلال استعاره از لب یا دهان معشوق
ایهام تناسب: شور ۱- غوغا و هیجان که معنای آن در متن سازگار است. ۲- مزه شور که در این معنا به کار نرفته و با شکر و تشنه و آب تناسب دارد.
مجاز: عالم مجاز مردم جهان
اغراق: مبالغه در اشتیاق جهانیان نسبت به معشوق و همچنین زیاده‌روی در توصیف زیبایی معشوق.

در بیت گزینه ۲ "حذف فعل، صورت نگرفته است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
(۱) گوشم به راه [است / بود]
(۳) رسید ناله سعدی به هرکه در آفاق [است / بود]
(۴) هرکه سودای تو دارد، چه غمش از جهانیان [باشد] / نگران تو چه اندیشه و بیمش از دگران [باشد]

بیت صورت سؤال و بیت گزینه ۱ "به بازگشت روح انسان به جایگاه اصلی خود؛ یعنی قرب پروردگار یا عالم ملکوت اشاره دارند.
بررسی گزینه‌های دیگر:
گزینه ۲: "ناپایداری و محدود بودن حیات مادی انسان و ختم‌شدن آن به مرگ
گزینه ۳: "شرط رسیدن به قرب الهی، ترک خودخواهی یا نادیده گرفتن وجود خود است.
گزینه ۴: "ما عاشقان طبل عظمت حق را بر بلندای آسمان می‌گوییم و از اوصاف او چنان سخن می‌گوییم که صدای آن در اوج افلاک بپیچد.
(توصیف عظمت و قدرت حق و اوج عشق‌ورزی عاشقان نسبت به خداوند)

در این بیت، واژه‌های "چشم، گوش و دهان" گروه مفعولی هستند.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: "ما: متمم (را: حرف اضافه، معادل "برای")
گزینه ۲: "شوق و عقل: مضامین (را: فک اضافه یا بدل از کسره): "قوت شوق" و "دعوی عقل"
گزینه ۳: "ما: متمم (را: حرف اضافه، معادل برای)

گزینه "۲": مصراع دوم، مصداق و تمثیلی بر مصراع اول نیست و مفهوم دو مصراع، معادل و مساوی نیست: چون بیمار، صلاح کار خود را نمی‌داند باید به داروهای تلخ و شور پزشک روزگار راضی باشد. به این سه دلیل، اسلوب معادله محسوب نمی‌شود. / در بیت مراعات نظیر وجود دارد. "مریض و طبیب" / "تلخ و شور" استعاره از "ناگواری‌ها" تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه "۳": مراعات نظیر: "سنگ و آتش و مینا (زیرا شیشه را به وسیله حرارت از سنگ می‌گیرند)" / استعاره: "نرمی کردن سنگ با آتش" / اسلوب معادله: "هنگامی که دل نسبت به دشمن ملایمت نشان دهد، ناب و خالص می‌شود همان‌طور که نرمی کردن سنگ با آتش، موجب ارزشمندی آن و تبدیل به شیشه شدن است."

گزینه "۴": تشخیص و استعاره: "سازگاری کردن موم با رشته" / مراعات نظیر: "موم و رشته و شمع" / اسلوب معادله: "دوستی کردن با عاجزان و تهیدستان موجب آگاهی و دانایی می‌شود همان‌طور که سازگاری میان موم و نخ موجب به وجود آمدن شمع می‌گردد." گزینه "۴": مراعات نظیر: "لقمه و دهن" / تشخیص و استعاره: "روزی ازه"، "دندان ازه" / اسلوب معادله: "لقمه‌ای که قسمت کسی نباشد از دهان می‌افتد، همان‌طور که ریزه‌های چوب از تماس اره با چوب، ریخته می‌شود."

"جدا کرده است و پیوند کن" تضاد / "دست غم" و "خون می" تشخیص و استعاره / "بند (مفصل)، دست، خون" مراعات نظیر

زمان افعال در عبارت صورت سؤال: ملامت می‌کردند: ماضی استمراری / مانده‌ای: ماضی نقلی / می‌گذرانی: مضارع اخباری / ترک گویی (بگویی): مضارع التزامی

فرستاده بود: ماضی بعید / کنی (بکنی): مضارع التزامی / نداشت: ماضی ساده / می‌داد: ماضی استمراری

ابیات گزینه های ۱، ۲ و ۳ بیانگر این مفهوم هستند که ریشه های شکست و گرفتاری آدمی در اندیشه و کردار خود او است و فرجام بد هر فرد، نتیجه اعمال او است. (ادبیات ۳، درس ۱۴) / (ادبیات ۲، درس ۵) اما مفهوم بیت گزینه "۴" این است که با بدخواهی دیگران، نیکی نصیب کسی نمی شود (آدم بدخواه بهره ای از بدخواهی نخواهد برد و آدم خیرخواه دچار زیان و بدی نمی شود).

الف) سخن روشن: حس آمیزی (این، تنها بیتی است که حس آمیزی دارد).
ب) شکستن دل: کنایه از غمگین شدن
ج) وجود اعتبار، در ترک اعتبار: تناقض (پارادوکس)، تنها بیتی که تناقض دارد.
د) دژ شهوار معانی: اضافه تشبیهی (معانی مانند دژ شهوار)
ه) اسلوب معادله

وابسته‌های پیشین: نخستین - آن (کان)
 وابسته‌های پسین: گنج - مروارید - او
 تشریح گزینه‌های دیگر
 گزینه "۲": وابسته پیشین: آن / وابسته‌های پسین: سرما - دی
 گزینه "۳": وابسته‌های پیشین: آن (آن طاق) - آن (آن تا) / وابسته پسین: خود - عزیز - بی‌همتا
 گزینه "۴": وابسته پیشین: هزاران / وابسته‌های پسین: رخشنده - روشن زنده

"سیری ناپذیری عاشق از عشق" مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینه "۲" است.

پنداشت: نیاز به مسند ندارد (به مفعول نیاز دارد) (پنداشت در این بیت: تصور کرد) / گردد: نیاز به مفعول و مسند ندارد. / بود: فقط به مسند نیاز دارد.
 تشریح گزینه‌های دیگر
 گزینه "۱": "گرداند" و "کرد"
 گزینه "۲": "پنداشت" (پنداشت در این بیت: به حساب آورد)
 گزینه "۳": "می‌دانست"

مفهوم مشترک: در خویشتن بنگرید، سیمرغ (معشوق) حقیقی، همان شما هستید.
 تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینه "۱": به وادی فنا اشاره دارد.
 گزینه "۲": عشق بی‌انتهاست.
 گزینه "۴": عشق به انسان، قدرت و توانایی می‌بخشد (قدرت انسان از خدمت‌گزاری در درگاه معشوق حاصل می‌شود)

در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ گوینده در جستجوی دردکشیده‌ای است که سخن او را فهم کند ولی در این بیت شاعر معتقد است که حرف‌های جگرسوز بر سوختگان اثر بد ندارد، زیرا لاله‌زار هیچ ترسی از داغ ندارد.
 بررسی گزینه‌های دیگر:
 گزینه "۱": تا کسی سوخته‌دل نباشد، نمی‌تواند سوز سخن مرا درک کند.
 گزینه "۳": یک سخن‌فهم کافی است تا من درددل‌هایم را برایش بازگو کنم.
 گزینه "۴": فقط سوخته‌جان سخن مرا درمی‌یابد.

بیت "د" اسلوب معادله: مصراع دوم مصداق یا مثالی برای توجیه مفهوم مصراع اول است: امید گشایش از ماه عید، نشانه بی‌خردی است؛ همان‌طوری که [امید بازشدن گره از ناخن تنها] بیهوده است؛ زیرا ناخن تنها فقط برای خاراندن پشت سر، قابل استفاده است و به‌تنهایی کاری از آن ساخته نیست.
 بیت "ب" تلمیح: "آب زندگانی" اشاره‌ای است به داستان حضرت خضر و نوشیدن او از چشمه آب حیات
 بیت "الف" تشبیه: وصل هجران است. (وصل همانند هجران است) - هجر وصل باشد. (هجر به‌منزله وصل است)
 بیت "ج" حس‌آمیزی: نگاه تلخ یار - دود خشک

ترکیب‌های وصفی گزینهٔ "۳" عبارت‌اند از: "چنین جای، این وقت، خمر بهشتی" ← ۳
تشریح گزینه‌های دیگر
گزینهٔ "۱": "هر سرایی، کدامین سروقد، سروقد نازنین" ← ۳ ترکیب وصفی
گزینهٔ "۲": "همه شکل، همه جای، عشوهٔ شیرین، عشوهٔ شکرخای" ← ۴ ترکیب وصفی
گزینهٔ "۴": "چه دلبند، چه شیرین، چه مطبوع، چه زیبا" ← ۴ ترکیب وصفی

در منطق‌الطیر عطار "طاووس" مرغی بهشتی نامیده می‌شود و آرزوی او نیز رفتن به بهشت است؛ به همین دلیل برای رفتن به‌سوی سیمرغ بهانه می‌آورد:
"طاووس نیز چنین عذر می‌آورد که من مرغ بهشتی‌ام. روزگاری دراز در بهشت به سر برده‌ام ... اکنون آرزویی بیش ندارم و آن این است که بدان گلشن خرم بازگردم..."
گزینهٔ (۱) بیانگر حکایت "بلبل" است که عاشق زیبایی‌های دنیا است.
گزینهٔ (۳) بیانگر حکایت "باز" است که نماد مقام و منصب دنیایی و تکبر است.
گزینهٔ (۴) بیانگر حکایت "بط: مرغابی" است که نماد عارف و زاهد و همهٔ عمر گرفتار طهارت و شستشو است.

(الف) ایهام: عین: ۱- چشمه ۲- نظیر و مانند
(ب) حس‌آمیزی: شنیدن بوی شراب (آمیختن دو حس شنوایی و بویایی)
(ج) حسن تعلیل: شاعر با دلیل شاعرانه و غیرواقعی می‌گوید: مردمک چشم از غرق‌شدن در اشک نمی‌ترسد؛ زیرا مرد دریا‌نورد همیشه سر در آب دریا دارد.
(د) مجاز: سر مجاز از فکر و قصد و نیت
استعاره: بیت هـ: سنبل استعاره از زلف / غنچه استعاره از چهره / نشستن سرو در چمن

مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت گزینهٔ ۱: تمام کارها و امور بنا بر خواست و مشیت الهی صادر می‌شود و نسبت دادن آن‌ها به غیر خداوند، کوتاه‌نظری و غفلت است. (ادبیات ۲، درس ۱۳)
بررسی مفهوم ابیات:
صورت سؤال: کارها را از جانب حق بدان نه عناصر اربعه؛ زیرا کوتاه‌بینی است اگر خطی را که حاصل از خرد و اندیشه است، به انگشتان کاتب نسبت دهیم.
(۱) تو نوری را که از خورشید درخشان حاصل می‌شود، از خاک تیره می‌جویی؟ افسوس و دریغ از این‌همه سرگستگی و حیرانی!
(۲) صفای باطن تو مانند صبح خورشید دل را روشن می‌کند؛ زیرا صدق و راستی درون را می‌توان از ظاهر مشاهده کرد.
(۳) خدایا، به من توفیق اطاعت و فرمان‌برداری ببخش و نشانی از درویشی عطا کن به‌گونه‌ای که از هر دو جهان (دنیا و آخرت) بی‌نیاز باشم.
(۴) هر بدی که به تو می‌رسد، از چشم و زبان و دل تو است. از دشمن خود (چشم و دل و زبان) در امان نباش؛ زیرا این‌ها روز و شب در خانهٔ وجود تو هستند.

(الف) کنایه: "جان سپر کردن" کنایه از "فدا کردن جان"، "تیر از کمان گشودن" کنایه از "رها کردن تیر"
(ب) حس‌آمیزی: سخن‌های لطیف
(ج) جناس: "آهنگ" اول (قصد)، "آهنگ" دوم (نغمه)
(د) اغراق: دوصد جوی از دیده بر رهگذر کسی جاری کردن
(ه) ایهام: "مدام" دو معنی دارد: ۱- پیوسته ۲- شراب

مفهوم عرفانی واژه "مراقبت"، نگه داشتن دل از توجه به غیر حق است که این معنی در گزینه "۱" مطرح شده است.

مناسب‌ترین راه برای رسیدن به پاسخ سریع این تست نیز مانند تست شماره "۱۰" استفاده از روش ردّ گزینه است؛ گزینه "۱" با "تلمیح و ایهام"، گزینه "۳"؛ "تناقض و اسلوب معادله" و گزینه "۴" با "تناقض" قابل حذف شدن هستند.
 کنایه: پرده برداشتن ← افشا کردن، فاش ساختن (ادبیات ۲، درس ۵)
 اغراق: بودن هزار کوه غم بر دل یک مورچه یا باریک بودن کمر به اندازه یک تار مو ... (ادبیات ۳، درس ۲)
 مجاز: سینه ← دل، قلب (زبان فارسی ۳، درس ۱۴)
 جناس: "مو" با "مور" یا "موی با مور" (ادبیات ۳، درس ۸)
 تشبیه: کوه غم (اضافه تشبیهی)، موی کمر (اضافه تشبیهی) (زبان فارسی ۳، درس ۱۴)

گزینه "۱": "سیر و کاشتن" تضمن و تناسب / "سهند و سبلان" تناسب
 گزینه "۳": "ارس و کارون" تناسب / "سیر و پیاز" تناسب
 گزینه "۴": "سیر و گرسنه" تضاد / "گرم و وزن" تضمن